

# اعتدال در قرآن

حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی

محمد حکیم پور



انتشارات تبا

# اعتدال در قرآن

## حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

---

سرشناسه : همایش ملی اعتدال (نخستین: ۱۳۹۳: تهران)  
عنوان و نام پدیدآور : اعتدال در قرآن، حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی / نویسنده: محمد حکیم‌پور.  
مشخصات نشر : تهران: نیسا، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری : ۴۴۵ ص؛ ۱۴/۵×۲۱.  
فروست : فرهنگ و اجتماع؛ ۷۶.  
شابک : ۲۰۰۰۰ ریال؛ 978-600-7212-99-8.  
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۰۱-۴۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع : میانه‌روی - جنبه‌های مذهبی - اسلام - کنگره‌ها  
موضوع : میانه‌روی - کنگره‌ها  
شناسه افزوده : حکیم‌پور، محمد.  
رده‌بندی کنگره : ب ۱۳۹۳ / ه ۸ / ۲۲۵/۳۷ BP  
رده‌بندی دیوبی : ۲۹۷/۴۶۴  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۴۷۹۸۷

---

# اعتدال در قرآن

## حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی

محمد حکیم پور



انتشارات تیسسا

---

اعتدال در قرآن؛ حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی

محمد حکیم‌پور

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

شماره نشر: ۱۴۰

سرپرستار: شهروود امیرانتخابی

صفحه‌آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین

چاپ: عطا

صحافی: مسیح

ناظر فنی چاپ: علی کاتب

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۲-۹۲-۹

همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

استفاده از مطالب با ذکر منبع بلاشکال است.

انتشارات تیسرا

تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، کوچه دیلمان، شماره ۶ واحد ۳. تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۹۲۴۷۰، ۳۳۹۹۹۴۲۳. [www.teesa.ir](http://www.teesa.ir)

---

## فهرست

پیشگفتار.....	۹
مفهوم‌شناسی اعتدال.....	۲۳

### دفتر اول: اعتدال در حوزه اجتماعی

فصل یکم: تعدیل مناسبات اجتماعی.....	۵۸
مبحث اول: علایق اجتماعی.....	۶۰
مبحث دوم: سلایق اجتماعی.....	۹۰
فصل دوم: تعدیل نابرابری‌های اجتماعی.....	۱۰۶
۱. زنان.....	۱۱۸
۲. کنیزان.....	۱۵۰
۳. بردگان و اسیران جنگی.....	۱۵۳
۴. یتیمان.....	۱۶۰
۵. سالخورده‌گان.....	۱۶۶
۶. معلولین و بیماران.....	۱۶۹
۷. فقیران و مسکینان.....	۱۷۵

### دفتر دوم: اعتدال در حوزه اقتصادی

فصل یکم: اصول و چارچوب نظری.....	۱۸۵
فصل دوم: تعادل در حوزه مالکیت.....	۲۰۳

۲۳۳	فصل سوم: تعادل در حوزه تولید.....
۲۳۵	مبحث اوّل. منابع طبیعی تولید.....
۲۶۵	مبحث دوّم. منابع انسانی و سرمایه.....
۲۸۳	فصل چهارم: تعادل در حوزه توزیع (مبادله).....
۲۹۲	مبحث اوّل. گسست‌ها.....
۳۲۰	فصل پنجم: تعادل در حوزه مصرف.....
۳۲۱	مبحث اوّل. حق مصرف.....
۳۲۳	مبحث دوّم: هدف مصرف.....
۳۲۵	مبحث سوّم: میزان مصرف.....
۳۳۲	مبحث چهارم. الگوی مصرف.....
۳۵۰	فصل ششم: نهادهای تأمینی تعدیل ثروت.....
۳۵۵	الف. نهادهای امضایی.....
۳۶۰	ب: نهادهای تأسیسی.....
۳۹۹	ضمیمه اطلاع‌رسانی و اعتدال در پرتو قرآن.....
۳۹۹	مبحث اوّل. ضرورت اطلاع‌رسانی از دیدگاه قرآن.....
۴۱۶	مبحث دوّم: شاخصه‌های فردی خبرنگار اهل اعتدال.....
۴۱۸	مبحث سوّم. شاخصه‌های حرفه‌ای خبرنگار اهل اعتدال.....
۴۲۵	کتابنامه.....

## پیشگفتار

فرایند تجدد در غرب ابتدا از سپهر دیانت آغاز شد و سپس در ساحل سیاست بر زمین نشست و همین امر به خوانش‌های توتالیترا از دین در غرب نقطه پایانی نهاد، در جهان اسلام اما قضیه برعکس بود، تجدد در جهان اسلام عمدتاً از عرصه سیاست آغاز شد و آنگاه بر دیانت دامن گسترانید و همین هم موجب شد که از یک طرف دین، بر اثر کشاکش‌ها و چالش‌های تخاصم‌آمیز گروه‌های سیاسی رقیب، «ایدئولوژیزه» شود؛ و از طرف دیگر طرفداران دولت مطلقه در جهان اسلام، از سنگر سست سیاست به حصن حصین دیانت نقل مکان کرده و دین را جولانگاه تفسیرهای توتالیترا خود از سیاست قرار دهند. لذا در غرب، از دل تجدد، «لایسیته»<sup>۱</sup> زائیده شد و در جهان اسلام، از دل تجدد، عمدتاً بنیادگرایی دینی.<sup>۲</sup>

---

### 1. laicite

۲. البته در جهان اسلام - بویژه در کشور ما - به موازات جریان «بنیادگرایی دینی»، جریان دیگری نیز از دل تجدد بیرون آمد که می‌توان آن را «بنیادگرایی نژادی» یا همان «ملیت‌گرایی» (ناسیونالیسم) نامید. ناسیونالیسم ایرانی مخصوصاً از دوران مشروطیت، خود را رقیب بنیادگرایی اسلامی می‌دیده و آلت‌ناتیو آن بوده و البته عکس آن نیز صادق بوده



بنیادگرایی دینی در واقع در جامه دفاع از حضور کامل دین در ساختارهای سیاسی و دولتی، تمنای دیگری دارد و آن احیای دولت توتالیتر است؛ همان طور که دفاعش از سنت نیز موقفی دیگر برای بازسازی اتویپای اقتدارگرایانه آن است و نه کوششی بی‌منظور برای احیای ارزش‌های سنتی در جهان اسلام که سنت‌گرایان در پی آن هستند. پس بنیادگرایان برخلاف سنت‌گرایان - و به رغم ظاهر دواعی آنان - خود محصول قهری فرایند نوسازی‌اند و لزوماً دل در گرو سنت ندارند؛ اگرچه از موارث سنتی برای توجیه ایدئولوژیک برنامه‌های سیاسی خود بهره می‌جویند.<sup>۱</sup> آنان نگاهی کاملاً سیاسی به دین دارند و دین برای آنان به مثابه یک «ایدئولوژی» سیاسی - و نه هویت مؤمنانه صرف - برای تثبیت، تکثیر و توسعه هژمونی است. اینجاست که بنیادگرایان به طور روزافزون نیاز به بازتفسیر متون دینی پیدا می‌کنند: بازتفسیر متون دینی به گونه‌ای که به مرامنامه و ادعانامه آن - در مبارزه با ارزش‌های رقیب - جامه مشروعیت بپوشاند تا این جریان خطیر و خطرناک جهان اسلام بتواند از بطن توده‌های پایین شهری، سربازان جان برکفی برای پیاده‌سازی برنامه‌های سیاسی خود در سراسر جهان پیدا کند. البته باید خاطر نشان کرد که شکاف طبقاتی موجود در جهان اسلام و

---

است. برای ناسیونالیسم ایرانی نک. به کاتم، ریچارد: ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۱.

۱. بهره‌گیری بنیادگرایان از موارث سنتی، موجب شده است که بسیاری از تحلیلگران، «بنیادگرایی» را به مثابه یک «گفتمان سنت‌گرا» در نظر گیرند و آن را ضرورتاً برابر نهاد «گفتمان تجدد» قلمداد کنند؛ حال آنکه بنیادگرایی در ذات خود، حاصل تنازع دو گفتمان سنت و تجدد است و لذا به یک اعتبار، آن را می‌توان یک «پادگفتمان» در نظر گرفت که با هر دو گفتمان سنت و تجدد معارضه دارد، و نه گفتمانی مستقل در برابر سنت و یا تجدد. از این روست که بنیادگرایی را در سراسر جهان اسلام، در حال درگیری با سنت و تجدد - به طور توأم - می‌بینیم؛ بنیادگرایی دینی اگرچه در «مضمون» خود از سنت، و در «فرم» خویش از تجدد نیز بهره می‌برد، با این وجود عصیان علیه نظام دانایی مبتنی بر سنت و تجدد، از خصیصه‌های «بنیادگرایی دینی» در جهان اسلام است.

بالاتر از آن شکاف شمال و جنوب - که دست‌کم بخشی از آن حاصل مناسبات استعماری تا نیم قرن پیش است - در برآمدن جریان بنیادگرا در جهان اسلام، و همچنین ایجاد زمینه برای توسعه آن سهمی عمده داشته است که این پیشگفتار در صدد شکافتن و بررسی آن نیست؛ لیکن واگرایی حاصل از بحران مشارکت در جهان اسلام، می‌توان گفت: از اسباب مهم رجعت‌طلبی و سلفی‌گری برای جریان بنیادگرا در جهان جدیدی است که در آن امید‌چندانی برای پیاده‌سازی اتوپیای خود متصور نیست؛ پس بازگشت به گذشته - در ذیل عنوان بازگشت به میراث اسلامی - از یک سو ناشی از احساس حرمان این جریان در جهان مدرن است و از سوی دیگر این امر به تأمین مشروعیت آن کمک اساسی می‌کند.

بنیادگرایی اسلامی - اصطلاحی که هم در صورت و هم در محتوا از تناقض رنج می‌برد و اصولاً اصطلاحی پارادوکسیکال است - اصولاً اشاره به جریانی در جهان اسلام دارد که هم در دنیای اسلام در صدد «بازآفرینی» است و هم در سطح جهان چنین عزمی را در سر می‌پروراند: بازآفرینی ارزش‌ها و سلايق به گونه‌ای تام‌گرایانه که در ساحت و سایه آن، قدرتی متمرکز بر آدمیان حکومت کند و خواستار اطاعت منفعلانه از همه باشد. بنیادگرایی اصولاً بر «تبیین»، «تحوّل» و «کنترل» تام‌عالم و آدم‌نظر دارد و لذا برای یکسان‌سازی افکار، سلايق و سبک زندگی آدمیان براساس «تبیین» واحد و تام خود، و همچنین کنترل سیستماتیک این پروژه «منطبق‌سازی»، اعمال هرگونه بی‌رحمی و اجبار تجویز می‌شود تا به جای مشارکت متکثر مدنی، مشارکت واحد توده‌ای و البته «اشتیاق اجباری اتباع»<sup>۱</sup> بنشیند و بدین گونه تعارض دیگر در آن بروز نکند.

۱. تعبیر از برنارد کریک است. نک. کریک، برنارد: اشکال اصلی حکومت: یک نما و یک الگو، ترجمه فرهاد مشتاق صفت، ۱۳۰، انتشارات کتاب روز، تهران، ۱۳۷۸. ۲. فتح: ۲۹.

این جامعه آرمانی بنیادگرایان است؛ پس آدمیان از نظر بنیادگرایان به دو دسته تقسیم می‌شوند: کسانی که این الگوها را می‌پذیرند و بنابراین «خودی» محسوب می‌شوند و کسانی که مخالف آن هستند و بنابراین «غیر خودی» اند که البته باید تا حد ممکن حذف شوند تا جامعه یکدست اسلامی تحقق یابد؛ زیرا اتباع از نظر بنیادگرایان، یا «با آنها» هستند و یا «بر آنها»؛ و شق ثالث؛ یعنی هیچ‌گونه «بی طرفی» سیاسی و یا ایدئولوژیک در قاموس بنیادگرایان قابل قبول نیست. در همین نقطه است که بنیادگرایان، واژه‌های قرآنی نظیر «کافر» و یا «مرتد» را نیز در مفهومی سیاسی - و البته غیر ما وُضِعَ لَه - برای تسویه حساب با افراد و جریاناتی که حاضر به همراهی و همکاری با آنها نیستند، سخاوتمندانه به کار می‌برند.

بنیادگرایان می‌گویند: قرآن از آنان شدت عمل در برابر «کافران» را خواستار است، و شدت عمل اعم از تجویز و اِعمال هرگونه برخوردی بر ضد کافران بدون هر نوع محدودیتی است. پس صغرای قضیه بنیادگرایان این است که مخالفان بنیادگرایی، ضرورتاً «کافر»ند؛ کبرایشان هم این است که در مورد کافران می‌توان هر رفتار دلخواهی را اِعمال کرد، حتی اگر قطع سر آنان باشد و نتیجه قضیه این می‌شود که دین به بنیادگرایان اجازه می‌دهد که تمام کسانی را که با تئوری و آرمان آنان مخالفت می‌کنند، ترور کنند و یا به هر نحو ممکن از سر راه خود بردارند. این صورت اصلی مسئله بنیادگرایی است.

قرآن اما یکسره با این قرائت فاشیستی از دین خدا مخالف است و بلکه به جای سیاست سرکوب و ادغام کامل، اجباری و منفعلانه باورها، الگوها و سبک‌های زندگی آدمیان، از فردانیت و خودمختاری آنان حمایت می‌کند و به پیامبر اکرم(ص) هم گوشزد می‌نماید که اگر خدا می‌خواست جامعه را یکدست سازد و همه را به یک باور و عقیده معتقد سازد، خودش چنین

می‌کرد؛ و لذا پیامبر نباید آدمیان را برای پذیرش دعوت خود ملزم سازد. بنیادگرایان اما رویکرد گزینشی و انتزاعی خود را به منابع دینی، دستمایه‌ای برای ارائه یک اسلام مسخ شده انقلابی قرار داده‌اند که اساس آن بر «غیریت‌سازی» و «تکفیرگری» است. از نظر آنان همه بندگان خدا - جز طایفه‌ای که مد نظر آنهاست - دچار انحراف بوده و بیگانه از اسلام و ایمان‌اند و لذا تکفیر و به تبع آن، منزوی‌سازی و حتی قتل‌شان نیز واجب است. بنیادگرایان برای مسلمانان، ۷۳ فرقه قائل شده‌اند که از نظر آنان جز فرقه‌ای که خودشان در آن قرار دارند - و آن فرقه ناجیه است - مابقی فرقه‌ها از دین پیامبر منحرف و مرتد شده و شایسته حذف از بدنه امت اسلامی‌اند.

بینش بنیادگرایی در جهان اسلام اما دامنگیر مذهبی خاص نیست؛ بلکه هر دو فامیل عقیدتی اصلی اسلام - یعنی تسنن و تشیع - را در بر می‌گیرد؛ بنابراین در تاریخ معاصر پیروان هر دو مذهب، ما با جریان تکفیرگری مواجه هستیم؛ البته در تاریخ گذشته هر دو مذهب اصلی نیز با چنین گروه‌هایی مواجه بوده ایم؛ نظیر خوارج که از دامن تشیع برآمد و نهایتاً به تسنن نزدیک شد؛ اگرچه هیچ‌گاه با تسنن هم به وحدت نرسید و در نتیجه، ناچار خود را به صورت جریان اسلامی سوّم عرضه کرد<sup>۱</sup>: جریان رادیکالی که سواد اعظم

۱. جریان تکفیری خوارج اگرچه امروزه به طور رسمی، حضوری در میان شیعیان و اهل سنت ندارد، لیکن تفکر آن از چندین قرن پیش خود را به دو صورت: «تشیع صفوی» (اصطلاح مختار متفکر شیعی: علی شریعتی) در میان شیعیان، و «تسنن سلفی» در میان گروه‌های خاصی از سلفیون اهل سنت نشان داده است؛ اگرچه بخش عمده‌ای از سلفیون نیز میانه‌ای با تکفیرگری خوارجی ندارند. «بغدادی» بر این باور است که اگرچه خوارج معلول و محصول تنازع و دودستگی میان اصحاب رسول خدا پس از به خلافت رسیدن علی بن ابی طالب بود، لیکن خود خوارج نیز بعدها دچار تفرّق و تشتت بسیاری شد، به گونه‌ای که از دل آن دست کم بیست گروه و دسته برآمد که با هم در بسیاری مسائل اختلاف نظر داشتند. برای اطلاع از اصول عقاید فرّق خوارج نک. به: بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر: تاریخ مذاهب اسلام (ترجمه الفرق بین الفرق)، ترجمه دکتر محمدجواد

مسلمین را تکفیر می‌کرد و قتل شان را واجب می‌شمرد. امام علی(ع) پیروان خود را از قتل خوارج - که خود او را ترور کرده و به شهادت رساندند - بر حذر داشت، اما در عین حال یادآور شد که نسل خوارج در جهان اسلام پس از شهادت او رو به فزونی خواهد گذاشت و آنان همان‌گونه از دین به در خواهند رفت که تیر از کمان به در می‌رود!

اکنون پیش‌بینی امام علی(ع) در جهان اسلام تحقق یافته است و تکفیرگرایان در میان مسلمین رو به فزونی نهاده‌اند. آنان با توسل به تفسیری قشری، ایستا و منجمد از اسلام، اذهان عمومی غیر مسلمانان را در دنیا به این نتیجه رسانده‌اند که اسلام - به عنوان یک دین جهانی - خطری جهانی نیز هست<sup>۱</sup> و هیچ‌گونه حق حیات برای آنان قائل نیست و لذا اگر موانع لجستیک در میان نباشد، تمامی غیر مسلمانان در سراسر جهان به هدف‌هایی برای پروژه قتل درمانی اسلامی تبدیل خواهند شد!

در این میان، پاره‌ای از استراتژیست‌ها و تئوریسین‌های سیاسی غربی نیز که اساساً با اسلام مشکل سیاسی و ایدئولوژیک دارند، فضا را مغتنم شمرده، همراه با بنیادگرایان مسلمان در اندیشه توسعه «اسلام هراسی» در سراسر جهان هستند. تئوریسین‌های یادشده، قرائت بنیادگرایان از اسلام را عامدانه به عنوان تنها قرائت معتبر از دین اسلام معرفی می‌کنند و دیگر قرائت‌های متکثری را که از سوی روشنفکران مسلمان از اسلام ارائه

---

مشکور، ۷۱-۴۱، انتشارات اشرافی، تهران، ۱۳۸۸ش.  
 ۱. مهندس مهدی بازرگان در کتاب آیا اسلام خطر جهانی است؟ - که آن را در روزهای واپسین حیات طیبه اش به رشته تحریر درآورد - درصدد پاسخ گویی به تحلیلگران و استراتژیست‌هایی است که در جهان غرب - با معرفی جریان بنیادگرایی اسلامی به عنوان «حقیقت» اسلام - می‌کوشیدند جامعه جهانی را از اسلام بترسانند و آن را به عنوان یک خطر جهانی قلمداد کنند. بازرگان این نظریه گمراه کننده را با استدلال‌ها و استنادهای متکی به قرآن و سنت مردود می‌شمارد. برای اطلاع بیشتر در این زمینه، نک. به: بازرگان، مهدی: آیا اسلام خطر جهانی است؟!، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۳.

می‌شود، فاقد سندیت و مشروعیت جلوه می‌دهند تا بدین گونه بتوانند فضای سیاسی را برای گسترش پدیده «اسلام هراسی» و در نتیجه، انزوای کامل اندیشه اسلامی فراهم کنند.

حقیقت اما این است که تفسیر بنیادگرایان از اسلام - که اکنون دستاویز برخی محافل غربی برای تجویز راهبردهای ضد اسلام قرار گرفته است - به هیچ روی تفسیری اصیل و وفادار از اسلام نیست و بلکه به طور اساسی در نقطه مقابل ارزش‌هایی قرار دارد که قرآن آن را نمایندگی می‌کند.

باری بنیادگرایی اسلامی<sup>۱</sup> - که ما این اصطلاح را در این جا مسامحتاً به کار می‌بریم؛ زیرا اصولاً اسلام را میانه‌ای با بنیادگرایی نیست - همواره مدعی بوده است که ارزش‌های مدرن سیاسی مردودند؛ زیرا اسلام و قرآن آنها را مردود می‌شمردند؛ در نتیجه، پای قرآن را به جنگ خود با ارزش‌های مدرن کشانده است؛ حال آنکه قرآن پیش از آنکه با برخی از ارزش‌های سیاسی مدرن، موافق و با برخی دیگر مخالف باشد، به طور کلی با سامانه ایدئولوژی بنیادگرایی - چه نوع دینی و چه نوع سکولار آن - مخالف است؛ زیرا بنیادگرایی اصولاً رویکردی انتزاعی و تقلیل‌گرایانه نسبت به عالم و آدم دارد که قرآن از اساس با آن مخالف است.

برای بنیادگرایان ارزش جان، مال و آبروی انسان‌ها مفهومی محصلی جز در همراهی با مدلول‌واره فکری مقبول بنیادگرایان ندارد؛ حال آنکه قرآن برای انسان، مال و آبروی او - فارغ از باورها و عقایدش - نیز ارزش قائل است و اصولاً کشتن یک انسان بی‌گناه را - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - برابر با کشتن تمامی بشریت می‌داند (مائده: ۳۲).

این نگاه فردانیت‌گرایانه نسبت به انسان در سراسر منظومه فکری

بنیادگرایان مسلمان، کمترین پایگاه و جایگاهی ندارد؛ زیرا آنان انسان را به هدف و سوژه سیاسی تقلیل می‌دهند و اهداف سیاسی نیز برای آنها، استفاده از هر وسیله‌ای را توجیه می‌کند؛ حال آنکه قرآن، یکسر با این اندیشه در جدال است.

بنیادگرایان - به ویژه در دو دهه گذشته - در حالی بر موج خشونت و تروریسم در جهان افزوده‌اند که قربانیان اصلی آن بی‌گناهان بوده‌اند. آنان هیچ گناهی جز اینکه در یک کشور غربی زندگی می‌کنند، نداشتند؛ اما گویا خود همین هم از نظر بنیادگرایان جرمی نابخشودنی است! امام علی(ع) که خود قربانی جوخه ترور گروه تروریست و رادیکال خوارج شد، از آنان این چنین انتقاد می‌کند: «اگر چنین می‌پندارید که من خطا کرده و گمراه شده‌ام، پس چرا همه امت محمد را به گمراهی من گمراه می‌دانید؟ و خطای مرا به حساب آنان می‌گذارید و آنها را برای خطای من «کافر» می‌شمارید؟ شمشیرهایتان را بر گردن نهاده، کورکورانه فرود می‌آورید و گناهکار و بی‌گناه را به هم مخلوط کرده، همه را یکی می‌پندارید!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

این همه، موجب شده است که تفسیر خوارجی - القاعده‌ای بنیادگرایان از اسلام - از طرف دوستان ناآگاه و دشمنان آگاه مسلمانان در جهان اسلام - به عنوان تفسیری راستین از اسلام قلمداد شده و «اسلام میانه‌ای» - که قرآن از آن دفاع می‌کند و البته روشنفکران مسلمان از آن سخن می‌گویند - به حاشیه رانده شود: اسلام میانه‌ای که دقیقاً تنها بدیل و آلترناتیو مناسب وضعیت موجود مسلمانان - هم در داخل جهان اسلام و هم در جامعه جهانی - است.

به راستی باید پرسید اگر این اسلام میانه‌رو و اعتدالی در سرزمین‌های اسلامی به طور کامل از یک سو مقهور رویکردهای تکفیری و بنیادگرا، و از

سوی دیگر مغلوب کوشش‌های تبلیغاتی استراتژیست‌های ضد اسلام میانه در پاره‌ای محافل غربی شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

به نظر می‌رسد پیشنهادهایی که استراتژیست‌های غربی برای بی‌هویت‌سازی مسلمین در جهان اسلام به سیاستمداران خود ارائه می‌دهند، پیش از هر چیز مفروض به این فرضیه غلط است که هویت اسلامی اصولاً و ضرورتاً امنیت جامعه غربی را به خطر می‌اندازد، لذا باید آن را با سیاست‌های ادغام‌سازی و یا امحای هویتی برطرف ساخت! حال آنکه کیست که نداند اسلام میانه‌رو، هیچ‌گاه برای هیچ گروه صلح دوستی در جهان، امنیت زدا نبوده، سهل است بلکه حتی امنیت نهادها و گروه‌های عقیدتی غیر مسلمان - از جمله معابد اهل کتاب - را چونان جهادی در راه خدا، به فرمان قرآن در دستور کار خود داشته است.

پس چنین اسلام میانه رویی چگونه می‌تواند موافق ترور و تروریسم علیه دیگران بوده، شهروندان بی‌گناه غربی را آماج خشونت‌های سازمان یافته خود قرار دهد و یا اصولاً بخواهد مقاصد سیاسی را از طریق ایدئولوژی پیش ببرد: کاری که اکنون افراط‌گرایان خوارجی - القاعده‌ای، هم زمان در جهان اسلام و جهان غرب انجام می‌دهند و البته اسلام‌ستیزان نیز آگاهانه و عامدانه آن را به حساب اسلام و قرآن می‌گذارند؛ چرا که برای آنان یک اسلام بیشتر وجود ندارد و آن هم اسلام افراطی است و نه اسلام میانه رو. پس با سپر قرار دادن اسلام افراطی، می‌توان اسلام میانه‌رو را نیز از صحنه رقابت‌های ایدئولوژیک جهان بیرون کرد!

کتاب حاضر می‌کوشد تا از خلال میراث قرآنی، شاکله‌های کلی و نظری «اسلام میانه رو» را به دست دهد: اسلامی که هم به سعادت دنیوی و اخروی مسلمین می‌انجامد و هم به تصحیح مناسبات مسلمین - در درجه اول با خودشان و در درجه بعد با جامعه جهانی - راه می‌گسترده و این



تصویری است که هم مسلمانان بدان نیاز دارند و هم جامعه جهانی از فقدان آن در رنج است.

باری افراط‌گرایی، اندیشه‌ای است که معلل به علل تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است، بدون اینکه مدلل به دلیلی صادق و حقیقی باشد. لذا دست تطاول کشیدن آن بر میراث قرآنی، نوعی تظاهر زشت برای مشروعیت بخشی کاذب به رادیکالیسم اسلامی است؛ چرا که قرآن را با «انسان تندرو» و «امت تندرو» و افراطی، هیچ میانه و نسبتی نیست و قرآن زندگی مؤمنانه را تنها در هیئت «انسان میانه‌رو» و «امت وسط» می‌سور می‌بیند و یا پیگیری می‌کند.

در واقع آموزه‌های اعتدالی قرآن در حوزه‌های مختلف اخلاقی، دینی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی بهترین پادزهر برای مبارزه با آموزه‌های مسموم و خطرناکی است که بنیادگرایان و تکفیریان در میان مسلمین و غیر مسلمین پراکنده‌اند؛ چرا که قرآن محکم‌ترین منبع میراث اسلامی و قطعی‌الصدورترین آن است و نیز برهانی قاطع در برابر کسانی است که با اندیشه‌های افراطی خود، به تجزیه زندگی در تفکر اسلامی یاری می‌رسانند.

این همه، اما در حالی است که مطالعات و پژوهش‌های راجع به رویکرد اعتدالی قرآن در حوزه‌های مختلف، تقریباً در آغاز راه خود قرار دارد؛ و حال آنکه برای ارائه تصویر انسان و جامعه آرمانی قرآن، هیچ‌گریز و گزیری از استخراج مایه‌ها و سویه‌های اعتدال‌گرای آیات آن در حوزه‌های گونه‌گون زندگی فردی و جمعی نیست تا معلوم شود قرآن نه تنها میانه‌ای با اسلام بنیادگرا و تکفیری ندارد، بلکه آن را مانعی بزرگ بر سر تحقق ارزش‌های جهان شمول خود می‌بیند.

تحقیق حاضر - که ایده اولیه آن در زمستان ۱۳۸۸ در ذهن نویسنده شکل

گرفت - اصولاً موقفی برای بازنمایی سازواره‌های یک اسلام میانه‌رو و منعطف براساس آیات پرشمار قرآن کریم است: آیاتی که هرکدام تصویر اعتدالی برآمده از قرآن را بیش از پیش پررنگ‌تر می‌نمایند و بدان جان می‌بخشند.

در این تصویرسازی مفهومی کوشیده ایم تا حد ممکن از تمام آیاتی که در موضوعات مورد بحث ما در قرآن وجود دارند، بهره بگیریم تا تصویری تمام نما و واقعی‌تر از مضمون اعتدالی قرآن به خوانندگان ارائه کنیم.

کتاب حاضر به طور کلی در سه جلد منتشر خواهد شد: جلد اول به بررسی دیدگاه اعتدالی قرآن در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد؛ جلد دوم اما دیدگاه اعتدالی قرآن در دو حوزه اخلاق و دین را پوشش خواهد داد و جلد سوم به تحلیل دیدگاه اعتدالی قرآن در حوزه‌های حقوق و سیاست اختصاص خواهد داشت.

در اینجا اما یک نکته مهم نیز حاجت به توضیح دارد و آن اینکه اثر حاضر به هیچ روی مانند آثار مربوط به بنیادگرایان، درصدد ارائه تصویری تام‌گرا و خوانشی ایدئولوژیک از آیات قرآن نیست؛ زیرا خود قرآن از آیات خویش تصویری سیال، شناور و پویا دارد که ارائه خوانش تام‌گرایانه از آن را بلاوجه و نامقدور می‌سازد. وانگهی تا زمانی که ما خود را از چنبره رویکردهای متصلب و تام‌گرایانه از قرآن رها نکنیم، از شرّ جریان‌ت بنیادگرا نیز - که اکنون کلیت اسلام را به چالش کشیده‌اند - مفرّی نخواهیم یافت.

بنابراین هدف ما در جلد نخست این کتاب ارائه یک مدل و نظام واره اجتماعی و اقتصادی خاص بر مبنای قرآن کریم نیست؛ آن هم به این دلیل روشن که قرآن نه کتاب اقتصاد است و نه کتاب جامعه‌شناسی. قرآن اما در عین حال کتاب اخلاق است و قلمرو اصلی و نقطه عزیمت آن هم اخلاق است؛ کما اینکه غایتش نیز همان است. لذا قرآن اگر نسبت به اقتصاد و اجتماع نظری دارد، این دیدگاه لاجرم از چشم انداز اخلاق است، بدون

اینکه درصدد ارائه تصویری از نظام و مدلولاره اقتصادی خاصی باشد؛ اما این قدر هست که نظام اجتماعی و قاعده اقتصادی یک جامعه - هر نظام اقتصادی و هر نظام اجتماعی که هست - نبایستی اصول اخلاقی مورد نظر قرآن را به چالش بکشاند و با آن تنافر داشته باشد.

قرآن از این منظر است که به اقتصاد و نظام اجتماعی هم کار دارد. در واقع ما در این حوزه با ارزش‌های قرآنی معطوف به حوزه‌های اقتصاد و اجتماع مواجه ایم و نه با طرحی نظام مند و منسجم برای اقتصاد و اجتماع که ارائه آن بر عهده دانش‌های مربوطه در یک جامعه انسانی است و نه به عهده قرآن.

از این رو ما در این مجلد می‌خواهیم با ارزش‌های مثالی ناظر به حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی از منظر قرآن آشنا شویم تا تکالیف و تعهدات اجتماعی و اقتصادی مان در قبال هم نوعانمان معلوم شود که خود آن وظیفه‌ای اخلاقی است. پس قرآن به هرگونه کنش و واکنش انسان در حوزه‌های مختلف زیست فردی و جمعی - از اقتصاد گرفته تا سیاست و حقوق و دین و... - از منظر اخلاق می‌نگرد؛ حال آنکه بنیادگرایان تکفیری درست بالعکس عمل می‌کنند و به اخلاق از منظر اقتصاد و سیاست و نظام طبقاتی و اجتماعی می‌نگرند و در نتیجه به جای اینکه خود را تابع دین سازند، دین را تابع خود می‌سازند؛ این جا است که بنیادگرایی با «پراگماتیسم»<sup>۱</sup> نیز پیوندی وسیع و وثیق می‌یابد. اما قرآن، بالعکس به رغم اینکه به اعتدال فرا می‌خواند، لیکن پیروانش را از پراگماتیسم - یعنی باور به اصالت عمل بر مبنای نفع - برحذر می‌دارد و آنها را به پایبندی نسبت به اصول اخلاق فراخوان می‌دهد.

باری تمنای «اعتدال در قرآن» بازگشت به قرآن به عنوان یک میثاق و نظام نامه اخلاقی است و نه تقلیل و تحویل آن به نوعی خاص از قاعده اجتماعی و یا نظام اقتصادی، آن هم در یک نظام قبیله‌ای با اقتصادی بسته؛ که قرآن در آن شرف انزال یافته است؛ در حالی که شرایط عصر نزول با وضعیت اجتماعی و اقتصادی کنونی ما یکسر متفاوت است؛ با این وجود بنیادگرایان در شرایط امروز، سودای احیای همان مناسبات اجتماعی و اقتصادی صدر اسلام را - با مختصر جرح و تعدیلی - در ذهن می‌پرورند! در حالی که «اعتدال در قرآن» در کرانه فراخ و فربه اخلاق قرآنی، هیچ موجبی برای تصلب در اقلیم تنگ معیشت، معرفت و منزلت قومی خاص نمی‌بیند.

این پیشگفتار را مایلیم با به جا آوردن وظیفه‌ای اخلاقی از دوستانی بزرگوار به پایان ببرم که تولید و نشر این اثر، مدیون محبت‌های خالصانه و بی‌شائبه آنها و البته دغدغه‌های مشترکمان است: دوست مخصوص و حقوقدانم «مجید نیکویی» مسیر تولید و نشر این اثر را از آغاز تا انجام با من همراهی کردند و اگر پیگیری‌های ایشان نبود، این اثر قطعاً نه به رشته تحریر درمی‌آمد و نه به زینت طبع آراسته می‌شد.

برادر آگاه و فرزانه ام «اسدالله فخمی» - که وجود نازنین و مغتنم شان در این روزگار نامرد، تجسم بخش گونه‌ای راستین، صمیمی و وفادار از یک زندگی انسانی اصیل و متعالی است - در معیت اهل بیت مکرّم، حق برادری را در حق راقم این سطور با اصلاح و تنقیح اثر حاضر، ادا فرمودند.

همچنین انتشار این کتاب را مدیون زحمات بی‌شائبه رییس فرهیخته و دانش دوست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: «دکتر سید رضا صالحی امیری» و نیز دوست اندیشور و معرفت گسترم «محمد قوچانی» هستم. از زحمات ناشران محترم دیگری نیز که پیش از این برای انتشار اثر اعلام آمادگی کرده بودند، ممنونم؛ به ویژه از سرکار خانم «پری سیما خدابخش»

مدیر انتشارات سوین؛ و «محمدجواد مظفر» مدیر فرزانه انتشارات کویر.  
در پایان خدا را به دعا می‌خوانم که به همهٔ این عزیزان جزای خیر  
عنایت کند؛ از خطاها و افراط‌کاری‌های ما درگذرد؛ راه اعتدال را در نظر و  
عمل نشانمان دهد؛ سرنوشت ما را خیر بنویسد و به ملتمان خودآگاهی و  
شایستگی نجات از مهلکه‌ها و عبور از طوفان‌ها و بحران‌ها را مرحمت نماید  
و آنها را از هرگونه «اسراف»ی بازماند بدارد. آمین یا ربّ العالمین!

محمد حکیم پور

## کتابنامه

### ۱. کتاب‌های مقدّس

قرآن کریم: ترجمه علی اکبر طاهری قزوینی، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۸۰ش.  
قرآن کریم: ترجمه و شرح واژگان: ابوالفضل بهرام پور، نشر حر، تهران، ۱۳۸۵ش.  
قرآن کریم: ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، نشر نیلوفر و نشر جامی، تهران، ۱۳۷۴ش.  
قرآن کریم: ترجمه شاه ولی الله دهلوی، انتشارات حنفی، کویت، پاکستان، ۱۴۱۸ق.  
کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، انجمن کتاب مقدس ایران، تهران، بی‌تا.  
انجیل عیسی مسیح (ترجمه تفسیری): چاپ تهران، بی‌تا، بی‌نا، بی‌تا.

### ۲. سایر کتاب‌ها

آقابخشی، علی و دیگران: فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۷۵ش.  
ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹ق.  
ابن الاثیر، عزالدین: اسد الغابه فی معرفه الصحابه، مکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.  
ابن اسحاق: سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، با مقدمه و تصحیح دکتر اصغر مهدوی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۷ش.

- ابن بابویه، محمد بن علی: *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
- ابن حنبل، احمد بن محمد: *المسند*، انتشارات دار الحدیث، قم ۱۴۱۶ ق.
- ابن ماجه قزوینی، حافظ ابو عبدالله محمد بن یزید: *السنن فی الحدیث* (سنن ابن ماجه)، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ ق.
- ابن دینار، ابو حمزه ثمالی: *تفسیر القرآن* (تفسیر فرات کوفی)، دار المفید، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی: *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق.
- احمدی میانجی: *مالکیت خصوصی زمین*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ش.
- اقبال لاهوری، دکتر محمد: *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی انتشار تهران، ۱۳۶۲ ش.
- اسفندیاری، محمد: *همه ما برادریم*، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ایزوتسو، توشیهیکو: *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- بازرگان، عبدالعلی: *تحقیقی در زمینه کلماتی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- بازرگان، مهدی: *آیا اسلام خطر جهانی است؟!؟*، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل: *الجامع الصحیح* (مشهور به صحیح بخاری)، انتشارات دار القلم، بیروت، بی تا.
- برایان، اس. ترنر: *ویر و اسلام*، ترجمه حسین بستان و دیگران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۶ ش.
- برقی، آیت الله سید ابوالفضل: *احکام القرآن*، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، بی تا.
- بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر: *تاریخ مذاهب اسلام* (ترجمه الفرق بین الفرق)، ترجمه دکتر محمدجواد مشکور، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- بل، ریچارد: *درآمدی بر تاریخ قرآن*، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی: *الجامع الصحیح* (سنن الترمذی)، ۴۴۲:۲، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

- تفلیسی، ابوالفضل حبیبش بن ابراهیم: *وجوه قرآن*، به کوشش دکتر مهدی محقق، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۶۰ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد: *غرر الحکم و درر الکلم*، دار الکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
- تهانوی، محمدعلی بن علی: *موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، زیر نظر رفیع العجم، انتشارات خیام و شرکاء، تهران، ۱۳۴۶ش.
- پاینده، ابوالقاسم (تدوین کننده و مترجم): *نهج الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول)، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۱ش.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن علی: *جلاء الازهار و جلاء الاحزان*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- جفری، آرتور *واژه‌های دخیل در قرآن*، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، تهران ۱۳۸۵ش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر: *ترمینولوژی حقوق*، انتشارات راستاد، تهران، ۱۳۶۱ش.
- حرانی، ابومحمد الحسن: *تحف العقول*، به تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن: *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی: *تاج العروس من جواهر القاموس*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- حکیم پور، محمد: *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، انتشارات نغمه نواندیش، تهران، ۱۳۸۲ش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین و دیگران: *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، انتشارات دوستان، تهران، ۱۳۸۱ش.
- دریایی، محمدرسول: *بررسی فلسفه تحریم گوشت خوک*، انتشارات بعثت، تهران، بی تا.
- دشتی، محمد (مترجم) *نهج البلاغه*، مؤسسه فرهنگی / تحقیقاتی امیرالمؤمنین، قم، ۱۳۸۴ش.
- دیلمی، حسن بن محمد: *ارشاد القلوب الی الصواب*، ترجمه علی سلکی، نشر ناصر، قم، ۱۳۷۹ش.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد: *مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*، مکتب المرتضویه، تهران ۱۳۶۲ش.



- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد: *کشف الاسرار و عیة الابرار*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
- رودنسون، ماکسیم: *اسلام و سرمایه داری*، ترجمه محسن ثلاثی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۸ش.
- زکی یمانی، احمد: *اسلام و زن*، ترجمه سید ضیاء مرتضوی، انتشارات میثم تمّار، قم، ۱۳۸۵ش.
- زیدان، جرجی: *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ش.
- سالم، دکتر عبدالعزیز: *تاریخ عرب قبل از اسلام*، ترجمه باقر صدری نیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶ش.
- سورآبادی، ابوبکر بن عتیق بن محمد: *تفسیر سورآبادی*، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۰ش.
- سیدمحمدجواد غروی اصفهانی: *فقه استدلالی در مسائلی خلافی*، بخش پنجم: حدود و تعزیرات، نشر اقبال، تهران، ۱۳۷۷ش.
- شرفی، عبدالمجید: *عصری سازی اندیشه دینی*، ترجمه محمد امجد، نشر ناقد، تهران، ۱۳۸۲ش.
- شاخت، یوزف: *دیباچه‌ای بر فقه اسلامی*، ترجمه اسدالله نوری، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۸ش.
- شریعتی، علی: *جهت گیری طبقاتی اسلام* (مجموعه آثار شماره ۱۰)، دفتر تدوین و تنظیم آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی، تهران، ۱۳۵۹ش.
- شریعتی، علی: *علی*، (مجموعه آثار شماره ۲۶)، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲ش.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی: *تفسیر شریف لاهیجی*، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ش.
- صادقی تهرانی، شیخ محمد: *توضیح المسائل نوین*، انتشارات جامعه علوم القرآن، قم، بی تا.
- صباغ، دکتر. ت.: *استعاره‌های قرآن: پوشش‌های گفتاری در قرآن*، ترجمه سیدمحمدحسین مرعشی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۵ش.
- صدر، سیدمحمدباقر: *اقتصاد ما*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۷ش.

- صدر، سیدمحمدباقر: *نهادهای اقتصادی در اسلام*، ترجمه غلامرضا بیات و فخرالدین شوشتری، انتشارات بدر، تهران ۱۳۵۸ش.
- فضائی، یوسف: *جامعه شناسی دینی: جاهلیت قبل از اسلام*، انتشارات پویان فرزاد، تهران، ۱۳۸۷ش.
- طالقانی، سیدمحمد: *اسلام و مالکیت*، بی نا، بی تا، بی جا.
- طالقانی، سیدمحمد: *تفسیر پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، ابوعلی: *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، جمعی از مترجمان، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ش.
- طبرسی، فضل بن حسن: *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد بن جریر: *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
- طوسی، محمد بن الحسن: *تهذیب الاحکام* (تحقیق خراسانی)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
- عبدالباقی، فؤاد: *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- علی، صالح احمد: *عرب کهن در آستانه بعثت*، ترجمه دکتر هادی انصاری، شرکت چاپ و نشر بین الملل، وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴ش.
- عمید زنجانی، عباسعلی: *اقتصاد سیاسی* (جلد چهارم فقه سیاسی)، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴ش.
- فاخوری، حنا و خلیل الحبر: *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷ش.
- فیض کاشانی، ملا محسن: *تفسیر الصافی*، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
- قرائتی، محسن: *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ش.
- قریشی، علی اکبر: *قاموس قرآن*، دار الکتب اسلامیه، تهران.
- قطب، محمد: *اسلام و نظام طبقاتی*، ترجمه فرید گلپایگانی، مؤسسه مطبوعاتی معراجی، تهران، ۱۳۵۰ش.
- قمی، شیخ عباس: *فرهنگ واژگان قرآن کریم*، ترجمه غلامحسین انصاری، شرکت

- چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد: *طبقات*، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- کاتم، ریچارد: *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- کاشانی، ملا فتح الله: *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، کتابفروشی محمدحسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی: *مواهب علیه*، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- کدیور، دکتر محسن: *حق الناس: اسلام و حقوق بشر*، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- کریک، برنارد: *اشکال اصلی حکومت: یک نما و یک الگو*، ترجمه فرهاد مشتاق صفت، ۱۳۰، انتشارات کتاب روز، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- کلینی: *ثقة الاسلام: اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران، بی تا.
- کلینی، ثقة الاسلام: *الکافی*، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مارکوزه، هربرت: *انسان تک ساحتی*، ترجمه محسن مؤیدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین: *کنز العمال فی الاقوال و الافعال*، به تصحیح شیخ صفوة السقاء. انتشارات مؤسسه التراث الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر: *بحار الانوار*، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق. و ایضاً چاپ لبنان به این نشانی: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- مجلسی، ملا محمدباقر: *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، ملا محمدتقی: *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، مصحح: حسین موسوی کرمانی و پناه علی اشتهاردی، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ ق.
- مجلسی، ملا محمدباقر: *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الاخبار*، انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ ق.
- محمدیان، بهرام و دیگران: *دایره المعارف کتاب مقدس*، انتشارات سرخدار، تهران، ۱۳۸۱ ش.

- مرنیسی، فاطمه: *زنان پرده نشین، نخبگان جوشن پوش*، با ترجمه ملیحه مغازه‌ای، نشر نی، تهران، ۱۳۸۰ش.
- مسلم نیشابوری، ابوالحسن مسلم بن حجاج: *جامع الصحیح (مشهور به صحیح مسلم)*، به تصحیح فؤاد عبدالباقی، انتشارات دار الحدیث، قم.
- مطهری، مرتضی: *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴ش.
- مطهری، مرتضی: *مسئله حجاب*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۶ش.
- مطهری، مرتضی: *نظام حقوق زن در اسلام*، دفتر نشر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۵۹ش.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی: *مواهب علیه*، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۹ش.
- موسوی بجنوردی، کاظم: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش.
- منتظری، آیت الله حسینعلی: *پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*، نشر گواهان، تهران، ۱۳۸۸ش.
- مهریزی، مهدی: *نواندیشی دینی و مسئله زن*، انتشارات صحیفه خرد، قم، ۱۳۸۹ش.
- نقوی، حیدر: *جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام*، ترجمه حسن توانایان فرد، ناشر: مترجم، چاپ افست مروی، تهران، ۱۳۶۶ش.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد: *اسباب النزول*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳ش.
- واقدی، محمد بن عمر: *مغازی*، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹ش.
- وبر، ماکس: *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه دکتر عبدالمعبود انصاری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰ش.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی: *تنبیه الخواطر و نزهة النواظر* (معروف به مجموعه ورام)، مکتبه الفقیه، قم، ۱۴۱۰ق.
- یعقوبی، ابن واضح: *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶ش.

### ۳. رسانه ها

- دایرةالمعارف اینترنتی ویکی مدیا.  
روزنامه اطلاعات، مورخ دهم مهرماه ۱۳۷۲ش.

# تهیه کتاب با یکی از روش‌های زیر امکان‌پذیر است:

مراجعه به سایت انتشارات تیسّا و خرید کتاب با ۱۰ درصد تخفیف

www.teesa.ir

نشانی:

مراجعه حضوری یا سفارش تلفنی:

۰۲۱-۳۳۹۹۹۴۲۳، ۰۲۱-۳۳۹۹۲۴۷۰

نشانی: تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، دیلمان، پلاک ۶، واحد ۳

مراجعه به مراکز پخش:

بخش ققنوس: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، کوچه مبین، شماره ۲۳۳ ۰۲۱-۶۶۴۶۰۰۹۹

فروشگاه کتاب اختران: خیابان انقلاب، بازارچه کتاب ۰۲۱-۶۶۴۱۱۴۲۹



انتشارات تیسّا

ناشر تخصصی علوم انسانی، علوم شهری و جامعه‌شناسی

- تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، دیلمان، پلاک ۶، واحد ۳
- شماره‌های تماس: ۰۲۱-۳۳۹۹۲۴۷۰ و ۰۲۱-۳۳۹۹۹۴۲۳
- www.teesa.ir • itesa@mail.com

کتاب حاضر می‌کوشد از خلال میراث قرآنی، شاکله‌های کلی و نظری «اسلام میانه‌رو» را به دست دهد؛ اسلامی که هم به سعادت دنیوی و اخروی مسلمین می‌انجامد و هم به تصحیح مناسبات مسلمین با خودشان و سپس با جامعه جهانی یاری می‌رساند و این تصویری است که هم مسلمانان بدان نیاز دارند و هم جامعه جهانی از فقدان آن در رنج است.

در واقع آموزه‌های اعتدالی قرآن در حوزه‌های مختلف اخلاقی، دینی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی بهترین پادزهر برای مبارزه با آموزه‌های مسموم و خطرناکی است که بنیادگرایان و تکفیریان در میان مسلمین و غیر مسلمین پراکنده‌اند؛ چراکه قرآن محکم‌ترین منبع میراث اسلامی و قطعی‌الصدورترین آن است و نیز برهانی قاطع در برابر کسانی است که با اندیشه‌های افراطی خود، به تجزیه زندگی در تفکر اسلامی یاری می‌رسانند.



انتشارات نیسا



سازمان اشد و کتبا مخازنی  
جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۰۰ تومان

ISBN 978-600-7212-99-8



9 786007 212998

فرهنگ و اجتماع ۷۶